

تحلیل محتوای عنصر آشنایی‌زدایی در عکس‌های معطوف به زندگی روزمره با تاکید بر روش معنایی یانیس

چکیده:

این تحقیق به کاوش عنصر آشنایی‌زدایی زدا که به چگونگی تبدیل موضوع روزمره به اثر هنری منجر می‌گردد، می‌پردازد. لذا، پژوهش پیشرو می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل معنایی یانیس) به کشف چگونگی تبدیل موضوعات روزمره به ابژه هنری نایل آید. در اینگونه آثار، امر روزمره سند تلقی شده و آثار هنری نه تنها با بیان ایده و به چالش کشیدن امر روزمره، بلکه به کمک عنصر آشنایی‌زدا و رسانه عکاسی سعی دارند تا به معنا و مفهومی جدید دست پیدا کرده و ادراک هنری مخاطب را برانگیزند. در واقع، این آثار با تاکید بر امر روزمره و اهمیت بخشی به آن، نقشی مهم و اساسی در ایجاد معنا و تبدیل آن به اثری هنری ایجاد می‌کنند. نتایج این بررسی به صورت مفصل در جدول‌های ۱ و ۲ ارائه شده است. جدول ۱، با استفاده از روش تحلیل محتوای معنایی به بررسی پنج عامل مهمی که هم زمان به معنای مورد نظر هنرمند، جامعه مورد هدف و ویژگی روش او در بهره بردن از روش آشنایی‌زدایی می‌پردازد، اشاره دارد. جدول ۲، از ده عامل آشنایی‌زدا در مجموعه‌ها نام می‌برد که هر کدام در برخی از این خصوصیات با هم وجه اشتراک دارند. شایان ذکر است این پژوهش، در استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا در مطالعه آثار هنری عکاسی و به ویژه، امر روزمره دارای نوآوری است. آن چه از یافته‌های این پژوهش حاصل می‌گردد این است که، ابژه‌ها، وقایع و رخداد‌های معمول زندگی روزمره به گونه‌ای از عوامل مهم و تاثیرگذار در ایجاد اثر هنری به شمار می‌روند.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

فرشته دیانت

(نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: f.dianat@alzahra.ac.ir

امیرعباس محمدی راد

استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: Am.rad@au.ac.ir

نادر شایگان فر

دانشیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: n.shayganfar@au.ac.ir

DOI: شناسه دیجیتال

10.22051/jtpva.2023.41299.1449

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، آشنایی‌زدایی، امر روزمره، عکاسی

مقدمه

هدف این پایان نامه را از پژوهش پیش رو متمایز می‌کند هم در روش پژوهش به شکل کیفی و هم در عکس‌های انتقادی با محتوای امر روزمره است که در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ صورت گرفته است. آن چه اهمیت و ضرورت نگارش مقاله حاضر را تأیید می‌کند، عدم وجود تحقیقی در زمینه نقش آشنایی‌زدایی در تبدیل عناصر روزمره به آثار هنری در عکاسی به ویژه با تأکید بر آثار هنرمندان ایرانی است. رسالتی که پژوهش پیش رو در تبیین آن می‌کوشد.

آشنایی‌زدایی از منظر تاریخ

آشنایی‌زدایی^۱ از مفاهیم پرکاربرد در نظریات نقد هنری و ادبی است که نخستین بار ویکتور شک洛夫سکی^۲ در سال ۱۹۱۹ آن را مطرح کرد. بر طبق این نظریه، هدف از هنر حس چیزها را انتقال دادن است. آنگونه که درک می‌شوند، نه آنگونه که دانسته می‌شوند؛ از این رو، در هنر با افزایش سختی و زمان فرایند درک، آشنایی‌زدایی اتفاق می‌افتد (مکاریک، ۱۳۸۳: ۱۱۳). به عقیده شک洛夫سکی، عناصر و پدیده‌ها در زندگی روزمره جاری هستند. اما قوانین درک، کنش‌ها و سخن‌ها برای ما به صورت خودکار رخ می‌دهد. لذا، هنر از جمله بسترهایی است که در برگرداندن حس زندگی و عناصر پیرامون به یاری انسان می‌شتابد. دلیل وجودی هنر آن است که ما چیزها را حس می‌کنیم (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۹). اما شک洛夫سکی، نقش اصلی هنر را در واپس راندن عادت‌های روزمره و آشنایی‌زدایی از آنها می‌پندارد. او اظهار می‌دارد که کارکرد هنر، همواره آشنایی‌زدایی کردن است (shklovsk, 1998: 22). در هنر، بهره بردن از رویکردهای غریب و دیدن به شیوه‌ای نا آشنا، ممکن می‌شود. بدین طریق می‌توان از منظر به امور نگاه کرد که گویی برای اولین بار دیده شده و مورد توجه قرار می‌گیرند (هارلند، ۱۳۸۶: ۱۸۳-۱۸۴).

تحلیل محتوا^۳

تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد (Poole & Folger, 1981: 477). تحلیل محتوا ابتدا، توسط دانشجویان روزنامه‌نگاری و سپس، جامعه‌شناسان به کار رفت (Berelson, 1954: 98). از تحلیل محتوا به عنوان یکی از رایج‌ترین و سودمندترین روش‌های تحقیق می‌توان نام برد. و در واقع، روشی است که در مورد آن به درستی می‌توان گفت، هر محقق به صورتی با آن سروکار دارد. در این روش نیازی به جمع‌آوری اطلاعات نیست. در واقع، اطلاعات

ابژه‌های زندگی روزمره یکی از مهم‌ترین درون مایه‌ها یا عناصر قوام بخش شکل‌گیری اثر هنری به شمار می‌روند. از آن جایی که، موضوع این آثار کاملاً از امر واقعی مشتق شده است، با بیش‌ترین شباهت به موضوع یا اغراق در مفاهیم آن، با به پرسش کشیدن امر عادی تلقی شده در زندگی روزمره و یا به واسطه استفاده از رسانه عکاسی در انتقال معنا و مفهوم اثر هنری، نقشی اساسی و محوری بازی می‌کنند.

مجموعه عکس‌هایی که موضوع و محوریت آن‌ها از دل زندگی روزمره برآمده است و چگونگی تبدیل آن‌ها به اثر هنری، منشای نگارش مقاله حاضر است. این پژوهش در تلاش است تا به این پرسش که، امر روزمره و غیر هنری چگونه به کمک آشنایی‌زدایی به اثر هنری بدل می‌گردد، پاسخ دهد. پررنگ کردن عناصر و فعالیت‌های بدیهی انگاشته شده که به عادت‌های دیداری یا روزمره بدل شده‌اند، در اینگونه آثار مرکز توجه قرار می‌گیرند. در واقع، رهایی از تکرار و اندیشیدن به روش‌های بیانی جدید در خلق اثر، اهمیت بخشیدن به موضوعات روزمره و پیش پا افتاده، هم‌چنین، بهره بردن از قدرت اندیشه در خلق اینگونه آثار هنری به هنرمندان یاری می‌رساند. بدین منظور برای مثال و آرایه بهتر از آثار هنرمندان ایرانی (بهنام صدیقی، فرهاد فخریان، گوهر دشتی، ندرضوی پور و شهاب فتوحی) استفاده شده است.

روش پژوهش

این مقاله به روش تحلیل محتوای کیفی نوشته شده و نیز شیوه‌گردآوری منابع آن، میدانی و کتابخانه‌ای بوده است. شیوه انتخاب آثار بر اساس نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

بیاتی (۱۳۹۲)، پایان نامه «آشنایی‌زدایی در تبلیغات با تکیه بر عکاسی تبلیغاتی» با محوریت تکیه بر عکاسی تبلیغاتی به انجام رسانده است. لاجوردی (۱۳۸۸)، در کتاب «زندگی روزمره در ایران مدرن با تامل بر سینمای ایران» با نگاهی به سینمای ایران از دهه ۱۳۷۰ به بعد، زندگی روزمره مردم ایران را بررسی می‌کند. فرشاد عسگری کیا (۱۳۹۹)، در پایان نامه «تحلیل محتوای عکاسی جنگ تحمیلی ایران و عراق در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۱» عکس‌های جنگ ایران و عراق را به روش تحلیل محتوای کمی بررسی می‌کند. آنچه

به ملاحظه و دقت دارد (ازکیا، ۱۳۹۶: ۱۹۴). مقاله حاضر از تحلیل محتوای معنایی یانیس برای کشف معنای ضمنی اثر بهره برده است.

پژوهش پیشرو بر آن است تا به معرفی آثاری از هنرمندان ایرانی بپردازد که موضوع یا عنصر تشکیل دهنده آثارشان در زندگی روزمره، به عنوان رخداد طبیعی و معمول - که گریزی از آن نیست - پذیرفته شده است. اما همان چیزها یا پدیده‌های معمول وقتی به موضوع اثر هنری تبدیل می‌شوند، حتی بدون هیچ کم و کاستی و فقط در قالب و شکل هنر، به ویژه عکاسی، یک امر یا پدیده یا رخداد اجتماعی را به چالش گرفته و به واسطه بیان ایده ارزشمند و از طریق عکس‌ها به اثر هنری بدل می‌گردند.

۱- بهنام صدیقی/ اکباتان غرب تهران

مجموعه عکس صدیقی (تصویرهای ۱ و ۲) با عنوان اکباتان، غرب تهران، شهرک مسکونی اکباتان را موضوع و سوژه دوربین خود قرار داده است. اما آن چه حقیقتاً مد نظر است و در این مجموعه به پرسش گرفته می‌شود، ساختار شهری مدرن است. برج‌های مسکونی با تعداد زیادی آپارتمان‌های شبیه به هم که در تضاد با سبک زندگی و ساختار فضای سنتی شهری و خانه‌های ویلایی قرار می‌گیرد. در این مجموعه، آپارتمان‌ها معمولاً، با یک عنصر در بیرون مجتمع یا فضای دربرگیرنده اطراف آن به تصویر درآمده‌اند. اگرچه عکس‌ها سیاه و سفیدند، اما به دلیل رنگ خاکستری بتن که پوشش ساختمان‌های شهرک اکباتان را تشکیل می‌دهند و هم چنین، رنگ خاکستری آسفالت، برای انسان معاصری که در فضای شهری زندگی می‌کند، گویی تکه‌ای از زندگی هستند. یادآور این سخن از سارکوفسکی که تصویر عکاسی حتی ممکن است مبهم و بدشکل و بدرنگ باشد، ولی در هر صورت به واسطه همان فرایند تکوین خود، با هستی مدلی که بازسازی کرده است و جوه اشتراک دارد. این تصویر، همان مدل است (سارکوفسکی، ۱۳۸۲: ۱۲).

صدیقی می‌گوید، در این پروژه سعی داشته است تا به طور هم‌زمان ادراک و احساس خود را از زندگی انسان‌ها در این فضای مدرن - که بخشی از تهران به شمار می‌رود - به نمایش بگذارد. از این شهرک (اکباتان)، به عنوان یکی بزرگترین شهرک‌های خاورمیانه می‌توان نام برد که افراد زیادی در آن اقامت دارند و هم‌زمان می‌توان آن‌ها را نمونه‌ای از شهروندان دنیای مدرن به شمار آورد که

موجودند و باید استنتاج یا به تعبیر دیگر تحلیل شوند. در این روش نقش اندیشه محقق بیش‌تر از نظریه‌ها و اطلاعات اوست (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۷۹/۱). تحلیل محتوا یک نوع تکنیک برای شرح منظم، عینی و محتوای آشکار است (معتد نژاد، ۱۳۷۶: ۷۵). در واقع، تحلیل محتوا به نوعی طبقه‌بندی کردن نشانه‌ها و توصیف محتوای صریح پیام است. با وجود این‌که، هدف بسیاری از پژوهش‌هایی که به روش تحلیل محتوا انجام می‌پذیرد، استنباط‌هایی فراتر از توصیف است، اهمیت امر توصیف در تحلیل محتوا نباید دست‌کم گرفته شود. در هر صورت، ارایه درست کیفیت‌های نمادین، ضروری است (کرپیندورف، ۱۳۸۳: ۲۱۷). تحلیل محتوا را می‌توان تکنیکی تعریف کرد که برای طبقه‌بندی نشانه‌ها به کار می‌رود (Janis, 1965: 55). تحلیل محتوا به عنوان یک روش در واقع شناخت و برجسته ساختن نکات یا محورهای اصلی یک متن - یا عکس، فیلم و ... - است. بلکه تحلیل محتوا به عنوان یک ابزار می‌تواند امکان تحلیل علی را فراهم آورد یعنی نه تنها به توصیف تصویر در سطح بپردازد، بلکه در عمق فرورفته و علل و عواملی را مشخص کند که در هر زمینه اجتماعی شبکه سطحی واقعیت را فراهم می‌آورند (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۸۱/۲). یانیس انواع تحلیل محتوا و کاربرد آن‌ها را تعیین کرده است:

۱. تحلیل محتوای عمل‌گرایانه: در این شیوه علایم بر حسب علل یا آثار محتمل طبقه‌بندی می‌شود.

۲. تحلیل محتوای معنایی: در این شیوه علایم بر حسب معنایشان طبقه‌بندی می‌شود. هولستی تحلیل محتوا را بر حسب سه هدف اصلی مورد بررسی قرار داده و داده‌های موجود در متن را در ارتباط فرستنده و گیرنده پیام قرار می‌دهد:

- توصیف خصوصیات پیام - چه چیزی، چگونه و به چه کسی گفته شده است؟

- استنباط مقدمات پیام - چرا چیزی گفته شده است؟

- استنباط آثار پیام - با چه اثری چیزی گفته شده است؟ (کرپیندورف، ۱۳۸۳: ۴۳).

ناگفته نماند اگر از تحلیل محتوا برای تعیین و شناخت محتوای پیام استفاده شود، باید علل یا عواملی که موجب بیان نظری خاص شده‌اند، مطرح شود. در واقع، تحلیل محتوا روشی دقیق و حساس است (معتد نژاد، ۱۳۷۶: ۲۸۴). در این روش به منظور تحلیل کلی و جامع از پدیده‌های اجتماعی، محتوای ضمنی همانند جنبه‌های آشکار نیاز

شامل حوادث و رخداد‌های اتفاقی است. در واقع و برخلاف هنرهای دیگر، عکس، خود را جای‌گزین واقعیت نمی‌کند، بلکه به نوعی رابطه ما را با شئی بودن عناصر و پدیده‌های هستی حفظ می‌کند (سارکوفسکی ۱۳۸۲: ۱۱). این که موضوع چیست، در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد؛ زیرا که این مجذوبیت ما از ماهیت فریبنده عکاسی است که باعث دیده شدن عکس می‌شود (آرچر، ۱۳۹۸: ۱۸۵). در این مجموعه فضای مسکونی و شهری زندگی انسان معاصر و تاثیر آن بر نحوه تعاملات او ایده اصلی اثر به شمار می‌رود. ایده‌های که از درون زندگی روزمره برخاسته است. این ایده از طریق عکس‌های سیاه و سفید، عدم نمایش انسان‌ها در فضای شهرک، و قرار دادن اشیاء بدون اهمیت در زندگی به نمایش گذاشته شده تا بر سردی و خشکی فضای حاکم بر زندگی انسان معاصر بیافزاید.

۲- فرهاد فخریان / دیوار روی دیوار

این مجموعه دیوار روی دیوار (تصویر ۳)، شامل عکس‌هایی هستند در ابعاد بزرگ از دیوارهای شهر تاریخی جورج تاوان مالزی که به مرور زمان و در اثر شرایط اقلیمی ویژه، دست‌خوش دگرگونی شده و نقش و نگارهای شگرفی در آن‌ها پدید آمده است. نکته قابل توجه در این مجموعه، نحوه به نمایش درآمدن آن‌هاست. چرا که عکس‌ها روی همان دیوارهایی که از آن‌ها عکس گرفته شده (بر روی موضوع خود)، به نمایش درآمده‌اند. تمامی دیوارهایی که در این پروژه مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در محلات قدیمی جرج تاوان قرار دارند که بخش‌هایی از آن به عنوان میراث فرهنگی جهانی توسط یونسکو در سال ۲۰۰۸ به ثبت رسیده است.



تصویر ۳- فرهاد فخریان، دیوار روی دیوار (URL2).

به گفته فخریان، هدف از این نحوه نمایش، آن است که بیننده عکس، همزمان با موضوع آن نیز مواجه شده و بین واقعیت و بازنمایی واقعیت از طریق عکس، در آمد و شد

شرایط زندگی مخصوص به خود و روابط خاص خودشان را دارند. نگرانی، ایده اصلی او در این مجموعه است. نگرانی از تغییر روابط آدم‌ها به واسطه تغییر زندگی در شهرهای بزرگ. اینها شهرهای بزرگی هستند که قواعد خودشان را به واسطه کمبود فضا و زمان به ما تحمیل می‌کنند. در نتیجه، ساکنان این مکان‌ها - که درگیر این نوع زندگی هستند - مجبور هستند که قواعد این نوع زندگی مثل عدم ملاقات با هم نوع و عدم داشتن وقت کافی برای شنیدن به یک دیگر را بپذیرند. از آن جایی که داشتن رابطه اجتماعی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود، این سبک زندگی به عجیب و غریب شدن شخصیت آدم‌ها منجر شده است. در نتیجه، بزرگ شدن شهرها و افزایش فاصله‌ها کمک به هم نوع حتی در مواقع سختی کاهش یافته است. شاید تنها راه خروج از این شرایط سخت و غیر قابل تحمل، فروختن دیوارهایی هست که آن‌ها را از هم جدا کرده است. لذا، در برخی از عکس‌ها بر روی ضخامت و قطر دیوارهایی که مردم این شهرک را از محیط بیرون جدا می‌کند، نیز تاکید شده است.



تصویرهای ۱ و ۲- بهنام صدیقی، اکباتان، غرب تهران (URL1).

پرسشی که با دیدن این آثار ایجاد می‌شود آن است که، مرز بین هنر و غیر هنر چیست (مارزونا، ۱۳۹۰: ۱۰). سارکوفسکی بر این باور است که، عکاسی با واقعیت عینی ارتباط مستقیم داشته و به آن وابسته است، واقعیتی که پایان نداشته و

باشد. وی معتقد است که، نگاه مردم به اصل واقعیت، نگاه عام‌تری است تا به آن واقعیتی که از طریق رسانه تصویر بر ایشان به نمایش گذاشته می‌شود. در این آثار درک مبنی بر نقش محیط، مالکیت و هویت فرهنگی در تعیین معنای اثر هنری مهم است (آرچر، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

عکس‌ها بازتاب موضوع خود هستند و اگر توجه بیننده را به خود جلب می‌کنند، به دلیل آن است که، جانشین چیزی شده‌اند که آن را به نمایش گذاشته‌اند. پس اگر از دید مخاطب عکسی زیبا باشد به آن جهت است که آن شخص موضوع عکس را زیبا یافته است (اسکروتون، ۱۳۸۶: ۵۷). در واقع، تبدیل دیواری که هر روز شهروندان بی توجه به آن از کنارش عبور می‌کردند و تبدیل شدن آن به عکس و نمایش روی همان دیوار توجه مخاطبان را به خود جلب کرده و در ابتدا، این ابهام را ایجاد می‌کند که، چرا دیواری که به مرور زمان دچار فرسودگی شده روی کاغذ عکاسی - که محل نمایش آثار هنری است - به تصویر کشیده شده است. اما همین ابهام هست که آن‌ها را به سوی هدف مورد نظر عکاس و تامل به عناصر و پدیده‌های زندگی روزمره وا می‌دارد. به عقیده ویلیام امپسون، هنر می‌تواند فرآیند ادراک و فهم را مشکل سازد. درک و دریافت این دشواری و مدت زمان تامل بر آن است که منشای تجربه زیباشناختی و لذت هنری می‌گردد (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۳). عکس‌ها در این جا با اشیا تعامل دارند و کلیتی واحد را شکل می‌دهند، «انسان‌ها در واقع، علاوه بر زبان از طریق اشیا نیز با هم ارتباط برقرار می‌کنند» (پاپلی یزدی، ۱۴۰۰: ۷۹).

آن چه آشکار است، این‌که در این آثار، تولید محتوای واقعی و دلالت اتفاق افتاده است (کهون، ۱۳۹۱: ۴۵۹). هنرمند به بخش‌هایی از زندگی روزمره توجه کرده است که، معمولاً، توجه دیگران را به خود جلب نمی‌کند، بخش‌هایی که از فرط روزمرگی یا بدیهی بودن فراموش شده یا دیده نمی‌شوند (پاپلی یزدی، ۱۴۰۰: ۸۷). اما به کمک رسانه عکاسی و محل نمایشی متفاوت از نمایش آثار هنری مورد توجه مخاطب قرار گرفته‌اند. این آثار به نوعی واقعیت مفرد را به نمایش گذاشتند. گاهی، عوامل خارجی نیز در خلق و تکوین اثر هنری موثر بوده و بسیاری اوقات هنرمند خود را در معرض این قبیل عوامل خارجی قرار می‌دهد و به واسطه این‌گونه تاثیرپذیری‌ها، امکان آفرینش آثار هنری را ایجاد می‌کند (خیری، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲).

در کار فخریان بافت و نمایش عینی واقعیت نیز شگفتی

ایجاد می‌کند. در واقع، یکی دیگر از عنصرهای تصویرگری، بافتی است که می‌تواند واقعی یا توهمی باشد و تا اندازه‌ای به جنس ماده یا رسانه‌ای که هنرمند به کار می‌برد و تا اندازه‌ای هم به توهم ایجاد شده با فن و شگرد ویژه به کار رفته بستگی دارد (آدامز، ۱۳۹۲: ۳۱). در این جا بافت عکس به عنوان ماده‌ای که آثار هنری روی آن چاپ می‌شوند، از طرف مخاطب پذیرفته شده است، پس حتی وقتی بخشی از دیواری که محل عبور و مرور هر روزه ساکنان است روی آن قرار می‌گیرد توجه مخاطب را به عنوان اثر هنری جلب می‌کند. آنچه این اشیا در ما برمی‌انگیزانند، نه حس زیبایی، بلکه زنده شدن حس والایی است؛ یعنی حسی مرکب از شگفت‌زدگی و ترس و مهم‌تر از همه ابهام (احمدی، ۱۳۷۰: ۷۸). در اثر دیوار روی دیوار فخریان، زندگی روزمره و نمایش اثر در محیط از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار به‌شمار می‌روند.

ویتگنشتاین در مقاله‌ای به نام هنر بعد از فلسفه در سال ۱۹۶۹ مینویسد: یک اثر هنری به نوعی توضیح واضح است. به نمایش درآوردن قصد و نیت هنرمند، یعنی هنرمند با اثرش می‌گوید که آن اثر هنری خاص، همان هنر، یا به عبارتی تعریفی از هنر است (آرچر، ۱۳۹۸: ۸۵).

۳- گوهردشتی/خانه

اثر دشتی با عنوان خانه (تصویرهای ۴ و ۵) - که سال ۹۳ در گالری محسن به نمایش درآمد - مساله رابطه انسان با طبیعت است و خانه، حلقه رابط این اتصال است و یادآور می‌شود که، «طبیعت» در بسیاری از کشورها با مسایل سیاسی-اجتماعی درآمیخته است. خانه، چنانکه در مجموعه دشتی بازتاب یافته، مامنی برای زندگی خصوصی، معاشرت و برقراری ارتباط احساسی با طبیعت است؛ همه این امور را می‌توان به مثابه گفت و گوها و فعالیت‌هایی در نظر گرفت که، به تعارضات زندگی معاصر می‌پردازند. آثار این مجموعه تصاویری خیالی هستند که در آن‌ها انسان‌ها جای خود را به گیاهان داده‌اند؛ یکی، در مکان‌های متروک و بی‌هویت و دیگری، در گورستان‌ها. هنرمند از ما می‌پرسد: چه بر سر محیط زیست می‌آید وقتی جنگ منجر به جابه‌جایی یا نابودی جمعیت‌های انسانی می‌شود؟ می‌گوید: آدم‌ها درگذرند، اما طبیعت کمیتی ثابت و تغییرناپذیر است. وقتی کشوری در نتیجه جنگ ویران می‌شود، معمولاً و به‌گونه‌ای کمابیش قابل درک، توجه مان

در آفرینش و انتشار کالاهای فرهنگ بصری تاثیر دارند (گراندرگ، ۱۳۹۲: ۲۴).

برای هنرمند هر ماده دورریز یا معمول می تواند موضوعیت هنری پیدا کند. او حتی از آوارهای ساختمانی روایت زندگانی های مختلف را انتظار می کشد و سطوح خصوصی زندگی هم نسلانش را می کاود (پاپلی یزدی، ۱۴۰۰: ۲۱). در این جا هنرمند نگاه خود را به خانه های غیرقابل سکونت و تولیدات جامعه معاصر دوخته و از خلال آن تمایزات، رنج ها و شادی های انسانی را باز روایت می کند. به نظر هنرمند، زمینه های اصلی پدیداری معنا در هر جامعه انسانی را می توان در فرهنگ جستجو کرد. فرهنگی که در مادیت آن نمود می یابد. ماده فرهنگی دنیای معاصر لزوماً، دور از زندگی روزمره ما نیست؛ بلکه دقیقاً، همان چیزهایی است که امروزه با آنها زندگی می کنیم. در واقع، موضوع این هنر چیزهایی است که به ما بسیار نزدیک هستند.

ذهن انسان قدرت خلاق مخصوص به خود را دارد. این قدرت به دو شکل بروز پیدا می کند: تمایل برای بازنمایی تصویرهای ذهنی اشیا و پدیده ها به شکلی که از طریق حواس درک می شوند؛ یا ترکیب و تلفیق کردن این تصویرها به شیوه تازه و بر اساس نظامی متفاوت. این قدرت خلاق تخیل نام دارد، و آن چیزهایی که هوش و قریحه، خیال، ابداع و مثل آن نامیده می شود، همه به همین نیرو وابسته هستند (برت، ۱۳۹۸: ۳۸ و ۳۹).

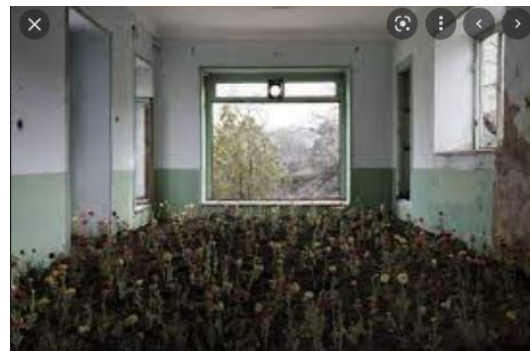
این آثار هنری به ما می آموزند که مشاهده هنر به معنای مصرف منفعلانه آن نیست. بلکه در جریان آن بخشی از جهانی می شویم که هنر و مخاطب، هر دو، به آن تعلق دارند. مشاهده کردن جهان، عملی منفعلانه نیست و تغییر امور بی تاثیر نخواهد بود. هنر، رویارویی پیوسته و ژرفی است که در آن اثر هنری به مثابه نقطه آغاز در فرایند کنکاش مداوم معناست. هیچ گاه دغدغه همیشگی زیبایی، کیفیات تاثیرگذار فرم و جستجوی معنا انکار نشده است. بلکه تلاش بر این بوده است، تا بدون توجه به شیوه های معمول و متعارف و رسانه های تثبیت شده، به طریقی به آن دل مشغولی هایی اشاره شود که هم سو با ویژگی زندگی معاصر هستند (آرچر، ۱۳۹۸: ۲۵۲ و ۲۵۳).

آنچه با دیدن این آثار در ما جان می گیرد اندیشیدن به این مهم است که، قوه خلاقیت به موجب ساخت و پرداخت صورت های ذهنی بدیع رخ می دهد و در عین حال، این آثار اگرچه معرف واقعیت خارجی موضوع اولیه هستند؛ اما

رامعطوف هزینه های انسانی می کنیم. به ضرورت به سکنه آن کشور و به تاسیساتی زیربنایی اشاره می کنیم که ساخته دست انسان هاست. با این حال دشتی می گوید: طبیعت مدت ها پس از آنکه همه ما رفته ایم اینجا خواهد بود.

در کار دشتی جهان منظرهای بیگانه و غریبی است که در آن خانه و ماوا داریم، یا خانه و ماوایی که خود را در آن بیگانه و غریب می یابیم.

اما مفاهیم مستتر در فرایند کاری این هنرمندان مفاهیم اجتماعی هستند و به نوعی، از هم نوایی با محیط مادی و رابطه ای سازنده و خوشبینانه با کلیت جهان خبر می دهند. فعالیت آن ها، الگوی یک زندگی اجتماعی است. هنر، نه تنها باید شباهتی با اشیا معمول داشته باشد، بلکه شیوه نگرستن به آن هم باید مبتنی بر تجربیات روزمره باشد (آرچر، ۱۳۹۸: ۵۸).



تصویرهای ۴ و ۵- گوهر دشتی، خانه (URL3).

در واقع، چنین آثاری از جدایی سبک و معنا، عکس و متن، شی و نیت در دنیای تجسمی امروز سخن می گوید. با عمل نقاب زدن، نقاب آن را بر می دارد، یا به قول دریدا، شالوده شکنی می کند. در این عکس ها، نوعی خودآگاهی وجود دارد؛ اما این خودآگاهی از آن نوعی نیست که مبلغ هویتی به سبک سنتی باشد؛ خودآگاهی از نوعی است که در افزایش آگاهی ما نسبت به بازنمایی عکاسانه و نیز نقش دوربین

خود حقیقی آن نبوده و در صورت و معنای جدید بازنمایی شده‌اند. می‌توان از هر شکل یا صورت، محتوا و درون مایه آنها را دریافت کرده و اینگونه فرض کنیم که گویی آنها را از پیش می‌شناسیم (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۹). این ادراک به شکلی جدید از هر موضوع و به کمک تصاویر عکاسی ایجاد می‌شود و نه در تکرار معنایی گذشته.

۴- ندارضوی پور و شهاب فتوحی / سرشماری

سرشماری نام اثری است که رضوی پور و فتوحی در سال ۱۳۸۲ در یکی از برج‌های ناتمام آتی‌ساز در تهران به نام سرشماری انجام دادند (تصویر ۶). این اثر به دلیل نوع اجرا در دسته چیدمان نیز قرار می‌گیرد و در میان آثاری که تاکنون ارایه شده، بی‌مثال بوده است. این دو هنرمند، ۷۰ عکس از صورت افراد معمولی را در ابعاد ۱۶۰×۱۵۰ در فریم پنجره‌های مجتمع آتی‌ساز، برج شماره ۱۳، به نمایش گذاشته بودند که با استفاده از تایمر، با نوری که از پشت‌شان می‌تابید، به نوبت خاموش و روشن می‌شدند؛ و همین امر باعث شده بود که، اثر در شب صورتی نمادین و جالب داشته باشد. این انسان‌ها - که عکسشان در پشت پنجره قرار داشت - تمثیلی از افرادی هستند که در این خانه‌ها زندگی می‌کنند و از پنجره بیرون رانگاه می‌کنند. این برج، نمادی از هزاران ساختمانی است که محل زندگی یا کار هرروزه آدم‌هاست. در این اثر عکاسی فقط به یک چیدمان اکتفا نمی‌کند؛ بلکه خود بخشی از یک سازه شده و بر واقعیت زندگی روزمره انسان معاصر - که درگیر فضای شهری است - تأکید می‌کند. در این اثر استفاده از عکس انسان‌ها در ساختمان نوعی آشنایی‌زدایی به حساب آمده و انسان معاصر درگیر این فضای شهری را دچار شوک می‌کند. جایگاه دوربین در مقام یک ابزار ثبت مکانیکی به این معنا نیست که عکس‌های آن، در مقایسه با نقاشی، از هر جهت‌گیری عاری باشد. در دوره کنونی، توانایی دوربین برای شکل‌دهی و خلق مجدد به جهان، پذیرفته شده است (گراندرگ، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

این آثار در واقع، تشدیدکننده این واقعیت هستند که، هنر نمی‌تواند بدون پشتیبانی اجتماعی رونقی داشته باشد (لینتون، ۱۳۸۳: ۳۰۳). نمی‌توان انسان را از محیط و شرایطی که به او شکل داده، جدا کرد (پارمزان، ۱۳۹۶: ۱۲۸). این‌گونه آثار به ایجاد گفتگوی درونی مخاطب برای درک معنای اثر و رابطه آن با زندگی خود کمک خواهند کرد. اکنون به جای این‌که گیرنده (مخاطب)، فقط در جستجوی معنای

اثر باشد، یعنی تلاش‌کنند بفهمند که هنرمند قصد بیان چه ایده‌ای را داشته، در تلاش است تا بفهمد که اطلاعات داده شده چگونه می‌توانند برای شخص او حاوی معنا باشند. مشاهده این آثار و وابستگی و هم‌بستگی شدیدشان با امرواقعی یا جهان واقعی و در عین حال، تفاوت‌های ظریف‌شان با آن، مخاطب را شگفت‌زده می‌کنند. در واقع «هر اثر هنری نیازمند واکنش است. آیا علت اصلی هر اثر هنری نمی‌تواند این خواست باشد که، گفت و گویی را - حتی بین یک انسان و خودش - برانگیزد؟» (لینتون، ۱۳۸۳: ۳۳۷). هنرکنشی انسانی است که در آن فرد آگاهانه و به واسطه چند نشانه بیرونی احساساتی را که تجربه کرده به دیگران منتقل می‌کند، دیگران نیز از این احساسات متأثر شده و خود تجربه‌شان می‌کنند (ماتراوز، ۱۳۸۴: ۲۶۱). ما صرفاً، از طریق احساس است که به درک رابطه پویا و درهم‌تنیده ساختار پیشانظری جهان به مثابه کلتی به هم پیوسته آگاه می‌شویم و خود را در میان آن می‌بینیم. ما جهان را نه به‌گونه‌ای منفصل و بی‌علاقه، بلکه به‌گونه‌ای می‌بینیم که به علت رابطه‌اش با ما، برای ما معنی دارد. ما همواره، با محیط و جهان خویش درگیریم و در آن چیزهای تازه‌ای را کشف می‌کنیم. محیط برای ما پروژه‌های ناتمام است (Dewey، ۱۹۵۸: ۳۳). واقعیت همواره، یک روایت یا برداشت مجازی از امر واقعی است (ژیژک، ۱۳۸۴: ۲۵).

بررسی نمونه‌های انتخابی در پژوهش به روش تحلیل محتوای معنایی یانیس

در جدول ۱، پنج مورد از نمونه‌های مورد بحث در پژوهش به روش تحلیل محتوای معنایی یانیس بررسی شده‌اند. از آن جاکه تحلیل محتوای کیفی علاوه بر پرداختن به معنای



تصویر ۶- شهاب فتوحی و ندارضوی پور: سرشماری، موزه هنرهای معاصر

دعوت به تفکر مخاطب، از میان بردن عادت‌های معمول دیداری، به پرسشگرفتن امر اجتماعی بدیهی انگاشته شده، تاکید و گرامی داشتن و نقد زندگی روزمره، توجه به انسان و شرایط زندگی او، نمایش آثار در گالری یا در محیط زندگی. همانطور که در جدول پیشرو نشان داده می‌شود، برخی آثار دو به دو در برخی از این وجوه با هم مشترکند و از ده مورد اشاره شده در جدول ۲، سه اثر، شش خصوصیت را دارا بوده و تنها اثر سرشماری فتوحی و رضوی پور است که هفت مورد از ده مورد را دارا است. تمام آثار در داشتن سه خصوصیت مشترک هستند؛ که این موارد، عبارتند از: دعوت به تفکر، نمایش موضوع غیر هنری، تاکید بر امر روزمره.

جدول ۱. بررسی نمونه‌های انتخابی در پژوهش به روش تحلیل محتوای معنایی یانیس (نگارندگان).

نمونه‌ها	توصیف خصوصیات پیام	چه چیز یا ایده‌های گفته شده	به چه کسی گفته شده؟	چگونه گفته شده؟	چرا گفته شده؟
صدیقی	مجموعه عکسی که از فضای شهرک اکباتان گرفته شده است.	محصور ماندن انسان معاصر	انسان معاصر در گیر زندگی شهری	از طریق عکس	نقد شرایط زندگی انسان معاصر و به تفکر واداشتن او برای پیدا کردن راه چاره
فخریان	عکس‌های از دیوار شهر تاریخی جرج تاون مالزی و نمایش آن‌ها دقیقاً روی همان دیوار	نگاه کردن و دیدن اشیا و پدیده‌های زندگی روزمره	انسان معاصر در گیر زندگی شهری	از طریق عکس و نمایش آن در همان فضا	تشویق انسان‌ها به تامل واداشتن برای دیدی عمیق به پدیده‌ها و عناصر زندگی روزمره
دشتی	عکس‌هایی از خانه‌های متروک که پوشش گیاهی آن‌ها را دربر گرفته است.	توجه به محیط زیست	انسان معاصر در گیر زندگی شهری	از طریق عکس و انتخاب فضاها نوستالژیک	به تفکر واداشتن انسان معاصر که غیر از او، چیزهای دیگری نیز در هستی زنده هستند و باید مهم قلمداد شوند.
فتوحی و رضوی پور	عکس‌هایی از آدم‌ها و نمایش آن‌ها پشت پنجره‌های برج آتی ساز	نقد شیوه زندگی انسان معاصر	انسان معاصر در گیر زندگی شهری	از طریق عکس و نمایش آن فضای زندگی او	نقد شرایط زندگی انسان معاصر و به تفکر واداشتن او برای پیدا کردن راه چاره

جدول ۲. روش‌های آشنایی زدایی به کار رفته در مجموعه‌های نام برده (نگارندگان).

نام هنرمند	به تفکر واداشتن مخاطب	از میان بردن عادت‌های دیداری	به پرسش گرفتن امر اجتماعی بدیهی انگاشته شده	نمایش موضوعات روزمره و غیر هنری	تاکید به زندگی روزمره	توجه به انسان و شرایط زندگی او	ستایش امر روزمره	نقد زندگی روزمره	نمایش اثر در محیط زندگی روزمره
صدیقی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
فخریان	*	*	*	*	*	*	*	*	*
دشتی	*	*	*	*	*	*	*	*	*
فتوحی و رضوی پور	*	*	*	*	*	*	*	*	*

آن چه این آثار را از هم متمایز می‌کند، نحوه بیان مساله و چگونگی پرداخت آن است. عامل مهم دیگر، داشتن ایده و هدف از انجام این آثاری هنری است. لذا، تمامی آثار به دلیل داشتن ایده در زیرمجموعه عکس‌های مفهومی قرار گرفته و قصد دارند تا شهروند معاصر را به تفکر و واکاوی در زندگی روزمره و پدیده‌های آن مطابق جدول ۱، دعوت کنند.

روش‌های آشنایی زدایی به کار رفته در مجموعه‌های نام برده جدول ۲، از ده عامل موثر به عنوان عناصر آشنایی زدا در آثار مورد بررسی این مقاله نام می‌برد. این عوامل عبارتند از:

نتیجه‌گیری

«آشنایی زدایی» با روش‌هایی چون شکل‌گیری ابهام در معنی اثر، به تفکر واداشتن مخاطب اثر هنری، از میان بردن عادت‌های دیداری، به پرسش گرفتن امر اجتماعی بدیهی انگاشته شده، یا نمایش موضوعات روزمره و غیرهنری در گالری یا فضای شهری به منظور توجه و تاکید به زندگی روزمره و ستایش امر روزمره، صورت می‌گیرد. در این مقاله سعی بر آن بوده است، تا به کمک روش تحلیل محتوای معنایی یانیس

کدام از این اشیاء در بردارنده نوع ویژه و متفاوتی از عملکرد و واکنش است. نسبت ما با اشیاء و پدیده‌ها و رخداد‌های جهان نسبت دوری نیست، به طوری که هر کدام از آنها با ما و سبک زندگی‌مان ارتباط دارد. توجه به پدیده‌های امر روزمره، به پرسش گرفتن آن‌ها یا حسرت بر فقدانشان می‌تواند سرآغاز خلق اثر هنری باشد. آثار هنری بر آن هستند تا توجه ما را به این نکته که هنر به جز جدایی‌ناپذیری از ساختار اجتماعی بدل شده است، جلب کنند. جزیی که با اجزای دیگر کنش متقابل داشته و خود نیز تغییر می‌پذیرد؛ زیرا هم قلمرو هنر و هم رابطه آن با دیگر اجزای تشکیل دهنده ساختار اجتماعی در جریان دیالکتیکی پیوسته قرار دارند.

به آثاری پرداخته شود که هنرمند با بهره بردن از امر روزمره به تولید اثر هنری پرداخته و با برجسته ساختن آن به روش آشنایی‌زدایی - که به طرق مختلف صورت می‌گیرد - مخاطب را به تفکر درباره امر روزمره و جهان پیرامونش دعوت کند. در واقع، این بازنمایی به بیننده کمک می‌کند تا به درکی فراتر از دنیای پیرامون خود نایل آمده و جنبه‌هایی از آن را مشاهده کند که تاکنون به آن‌ها توجه نکرده است. این مقاله درصدد یادآوری این مهم است که، اشیاء و پدیده‌های پیرامون ما در جهان، چیزهایی خنثی نیستند که تنها برای مصرف یا برای پذیرش در مقابلمان قرار گرفته باشند؛ بلکه هر کدام از آنان نماد و در واقع، یادآور نوع خاصی از رفتار ما هستند. هر

پی‌نوشت

1. Defamiliarization.

۲. ویکتور شک洛夫سکی (Victor Shklovsky) نویسنده و منتقد روسی (۱۸۹۳-۱۹۸۴).

3. Content Analysis.

کتاب‌نامه

- آدامز، لوری (۱۳۹۲). *روش‌شناسی هنر*، ترجمه علی معصومی، تهران: نظر.
- آرچر، مایکل (۱۳۹۸). *هنر بعد از ۱۹۶۰*، ترجمه کتابیون یوسفی، تهران: حرفه هنرمند.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰). *ساختار و تاویل متن*، تهران: مرکز.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل*، جلد ۲، تهران: کیهان.
- اسکروتون، راجر (۱۳۸۶). *عکاسی و بازنمایی*، ترجمه بابک محقق، تهران: فرهنگستان هنر.
- برت، آر، ال (۱۳۹۸). *تخیل*، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مرکز.
- بیاتی، شکوفه (۱۳۹۲). *آشنایی‌زدایی در تبلیغات با تکیه بر عکس‌های تبلیغاتی*، کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری، تهران: دانشگاه تهران.
- پایلی یزدی، لیلا (۱۴۰۰). *مادیت‌های معاصر*، تهران: حکمت کلمه.
- پارمزانی، لوردانا (۱۳۹۶). *شورش‌شیان*، ترجمه مریم چهرگان و سمانه میرعبادی، تهران: نظر.
- خیری، محمد (۱۳۸۹). *اقتباس برای فیلم‌نامه پژوهشی در زمینه اقتباس از آثار ادبی برای نگارش فیلم‌نامه*، چ. سوم، تهران: سروش.
- ژیزک، اسلاوی (۱۳۸۴). *گزیده مقالات: نظریه، سیاست، دین، گزینش و ویرایش فرهاد پور*، اسلامی و مهرگان، تهران: گام نو.
- سارکوفسکی، جان (۱۳۸۲). *نگاهی به عکس‌ها*، ترجمه فرشید آذرنگ، تهران: سمت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول اصول و مبانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد دوم بینش‌ها و فنون، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.
- عسگری‌کیا، فرشاد (۱۳۹۹). *تحلیل محتوای عکاسی جنگ تحمیلی ایران و عراق در فاصله سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۱*، پایان‌نامه دکتری رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه هنر.
- کریندورف، کلوکس (۱۳۸۳). *تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی*، تهران: نی.
- کهون، لارنس (۱۳۹۱). *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.
- گراندبرگ، اندی (۱۳۹۲). *بحران واقعیت*، ترجمه مسعود ابراهیمی مقدم و مریم لدنی، تهران: فرهنگستان هنر.
- لاجوردی، هاله (۱۳۸۸). *زندگی روزمره در ایران مدرن (با تأمل بر سینمای ایران)*، تهران: ثالث.
- لینتون، نوربرت (۱۳۸۳). *هنر مدرن*، ترجمه علی رامین، تهران: نی.
- ماتراوز، درک (۱۳۸۴). *هنر، بیان، احساس*، گروه مترجمان، تهران: فرهنگستان هنر.
- مارزونا، دانیل (۱۳۹۰). *هنر مفهومی*، ترجمه فاطمه عبادی، تهران: نظر.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۶). *روش تحقیق در محتوای مطبوعات*، جلد ۱، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۳). *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمدنبوی، تهران: آگه.

- هارلند، ریچارد (۱۳۸۶). *دیباچه‌ای تاریخی بر نظریه‌ای ادبی از افلاطون تا بارت*، ترجمه بهزاد برکت، رشت: دانشگاه گیلان.
- Berelson, B.R. (1954). *A Study of Opinion Formation in a Presidential Campaign*. Chicago: University of Chicago Press.
- Janis, I. L (1965). Facilitating Effects of "Eating-While-Reading". *J Pers Soc Psychol*.
- Bergman, M., & Paavola, S. (Eds.) (2003). *The Commens Dictionary of Peirce's Terms. Peirce's Terminology in His Own Words*. <http://www.helsinki.fi/science/commens/dictionary>
- Chandler, D. (2001). *Semiotics* (The Basic). USA & Canada: Routledge.
- Dewey, J. (1958). *Art as Experience*. New York: Capricorn Books, G. P. Putnam's Sons.
- Haraway, D. (1991). *Simians, Cyborgs, and Women: The Reinvention of Nature*. London: Free Association Books.
- Jameson, F. (1983). Postmodernism and Consumer Society, "In the Anti-Aesthetic. *Essay on Postmodern Culture*. (Ed. H. Foster). WA: Bay Press.
- Marzona, D. (2005). *Conceptual Art*. Germany: Taschen.
- Mitchell, W.J. T. (2005). *What Do Pictures Want? The Lives and Love of Images*. Chicago: The University of Chicago Press.
- Newton, K.M. (1997). Victor Shklovsky: 'Art as Technique'. In: Newton, K.M. (eds) *Twentieth-Century Literary Theory*. London: Palgrave. https://doi.org/10.1007/978-1-349-25934-2_1
- Peirce, C. S. (1974). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce. (Vol. 5)*. Harvard University Press.
- Pierce, C. (1931-58). *Collected Writings*. (Ed. Charles). UK: Harward University Press.
- Pool, M. Scott; Folger, Josef. P. (1981), A Coding Scheme for Studying Group Interactions in International Negotiations: A Methodological Advance on the IPA Protocol. *British Journal of Management*. January. 112. 455-477.
- Strazny, P. (2005). *Encyclopedia of Linguistics*. (Vol. 1). New York & Oxon.

URLs:

- URL1. www.akkasee.com, date access:6/5/2022
- URL2. www.akkasee.com, date access:9/8/2022
- URL3. Mohsen.Gallery, date access:5/5/2023

De-familiarization Content Analysis in Everyday Life Photography

Abstract:

De-familiarization applies methods like forming ambiguity in the meaning of the artwork, inducing the audience to think, and removing common habits of this study, to investigate the de-familiarization element which resulted in changing everyday life subject to artwork. Therefore, this survey attempts to apply qualitative Content Analysis Method (Yanis Semantic Analysis) to discover how to change everyday life objects into artwork subjects. In such works, everyday life issue is considered a document, and artworks attempt to convey a new meaning and concept and interest the audience not only through the expression of ideas and challenging everyday life issue but also by applying de-familiarization element and photography. Such artworks play a fundamental role to emphasize and thus make everyday life issues important.

The results of this study are presented in Tables 1 and 2 of the article. The first table applied the content analysis method to survey five important factors that point to the meaning intended by the artist, his target society, and the characteristics of his method in applying de-familiarization. The second table names nine elements of de-familiarization in series with some common characteristics. It should be noted that this study innovatively applied the qualitative content analysis method to study photography artworks, specifically everyday life issues. This study leads us to the fact that common objects and events in everyday life are considered effective and important factors in forming artworks.

The objects of daily life are one of the most important themes or elements of the consistency part of the formation of an artwork. Since the subject of these works is completely derived from the real thing, with the most similarity to the subject or exaggeration of its concepts, by questioning the normal thing in everyday life or by using the medium of photography in transmission. The meaning and concept of the artwork play a fundamental and central role.

Current writing sprang from the collection of photos that pivoted around everyday life subjects and how they have changed into artwork. This study answers the question of "how everyday life issues change into artwork through de-familiarization". Highlighting elements and activities taken for granted as everyday visual habits are more concentrated on here.

Actually, freedom from repetition and thinking in new expressing methods to create an artwork, making everyday life subjects important, as well as getting help from the power of thought in creating such artworks, help the artists. For further clar-

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 16 August 2022

Accept Date: 25 February 2023

Fereshteh Dianat

(Corresponding Author), PhD Student of Art Research, Faculty of Higher Art Research and Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email: f.dianat@alzahra.ac.ir

Amir abbas, Mohammadi Rad

Assistant Professor, Faculty of Visual Arts, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email: Am.rad@au.ac.ir

Nader, Shayganfar

Associate Professor, Faculty of Higher Art Research and Entrepreneurship, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Email: n.shayganfar@au.ac.ir

DOI:

10.22051/jtpva.2023.41299.1449



ification, works of Iranian artists like Behnam Sadeghi, Farhad Fakhrian, Gohar Dashti, Neda Razavi poor, and Shahab Fotohi are studied here.

De-familiarization applies methods like forming ambiguity in the meaning of the artwork, inducing the audience to think, removing common visual habits, challenging social issues taken for granted, or presenting everyday subjects in galleries or a municipal area to concentrate and emphasize everyday life issues and adore them.

This survey attempts to apply the qualitative content analysis method (Yanis Semantic Analysis) to study the works in which artists created an artwork out of everyday life issues and invited the audience to think by highlighting it through de-familiarization in different ways.

This representation helps the viewer to grasp something more than what is going around him and see aspects that he has never noticed before. This writing is intended to remind the fact that events and things around us in the world, are not neutral objects just to be used or accepted, but each one represents a symbol and a reminder of one of our specific behaviors. Any of these objects hold a specific and different function and reaction.

We are not distant from objects and events around us, in a way that each one is somehow related to our lifestyle and us. Paying attention to everyday life phenomena, challenging them, or regretting their shortage pioneers the creation of artwork. Artworks are intended to attract our attention to the point that art has turned into an unrepeatable part of our social structure.

This study is written by qualitative content analysis and source collection method, are field and library. Artworks are selected by purposive sampling. Content analysis as a scientific technic was common during the twentieth century and was first applied by journalist students and then by sociologists; and it is considered to be one of the most common and useful research methods. Truly any researcher somehow deals with it. In this method, there is no need for collecting information.

Information is available and needs to be inferred or in other words, analyzed. In this method, the researcher's thoughts have more impact on the result than theories and information. Content analysis is a technic to express objective and orderly expression and revealed content. Content analysis is a kind of classification of signs and description of the explicit content of the message.

Whereas most research conducted by the content analysis method is aimed at inferences beyond description, the importance of description in content analysis should not be taken for granted. Anyway, the exact representation of symbolic qualities is mandatory.

Content analysis can be defined as a technic for the classification of symbols. Content analysis is a method to diagnose and highlight points or main axes in the context of a photo, film, etc. actually, content analysis as a tool provides causal analysis that means not only describes an image on a surface but also deep in and specifies reasons and factors that provides a surface network of reality in every social field.

This study is focused to introduce artworks of Iranian artists whose subject matter is confirmed to be everyday life as an ordinary, natural event that cannot be taken for granted.

But, such common phenomena, even without any edition and just in form of art, especially photography, challenge a social event or phenomenon and turn it into conceptual artwork by expressing a valuable idea through photography.

These works of art teach us that observing art does not mean consuming it passively. Rather, during it, we become a part of the world to which both art and the audience belong. Observing the world is not a passive act and changing things will not be without effect. Art is a continuous and profound encounter in which the work of art is the starting point in the process of continuous exploration of meaning. The constant concern for beauty, the impressive qualities of form, and the search for meaning have never been denied. Rather, the effort has been made to point out those preoccupations that are in line with the characteristics of contemporary life without paying attention to the usual and conventional methods and established media.

What comes to life in us when we see these works is to think that the power of creativity occurs due to the creation and processing of original mental forms, and at the same time, although these works represent the external reality of the primary subject; But it was not its true self and was represented in a new form and meaning. We can receive their content and content from any form or form and assume as if we already know them. It is created with the help of photographic images and not by repeating past meanings.

Keywords: Content Analysis, De-familiarization, Everyday Life Issue, Photography, Iran.

References:

- _Archer ,M . (2019) .*Art Since1960* . (Translated by K. Yousefi). Tehran: Herfeh Honarmand.
- _Askarikia, F. (2019). *Analyzing the Photographic Content of Iran-Iraq Imposed War between 1980-1982*. Doctoral

Thesis in the Field of Art Research. Tehran: Art University.

- _ Berelson, B.R. (1954). *A Study of Opinion Formation in a Presidential Campaign*. Chicago: University of Chicago Press.
- _ Grundberg, A. (2014). *Crisis of the Real: Writings on Photography Since 1974*. (Translated by M Ebrahimi Moghadam & M. Ladoni). Tehran: Art Academy.
- _ Janis, I. L (1965). *Facilitating Effects of "Eating-While-Reading"*. J Pers Soc Psychol.
- _ Laurie .A.(2013) .*The Methodologies of Art*. (Translated by A. Masoumi). Tehran: Nazar.
- _ Ahmadi, B. (2001). *Text Structure and Textual Interpretation*. Tehran: Markaz.
- _ Azkia, M.(2018) .*Qualitative Research Methods from Theory to Practice*. (Vol. 2). Tehran: Keyhan.
- _ Barret, R. L. (2019). *Fancy and Imagination*. Tehran: Markaz.
- _ Bayati, S. (2013). *Defamiliarization in Advertisement based on Advertising Photographs. Master thesis of Visual Communication*. Tehran: Tehran University.
- _ Bergman, M., & Paavola, S. (Eds.) (2003). *The Commens Dictionary of Peirce's Terms. Peirce's Terminology in His Own Words*. <http://www.helsinki.fi/science/commens/dictionary>
- _ Cahoon, L. E. (2013). *From Modernism to Post Modernism: An Anthology*. (Translated by A. Rashdian). Tehran: Ney.
- _ Chandler, D. (2001). *Semiotics (The Basic)*. USA & Canada: Routledge.
- _ Dewey, J. (1958). *Art as Experience*. New York: Capricorn Books, G. P. Putnam's Sons.
- _ Haraway, D. (1991). *Simians, Cyborgs, and Women: The Reinvention of Nature*. London: Free Association Books.
- _ Harland, R. (2008). *Literary Theory from Plato to Barthes: An Introductory History*. Rasht: Gilan University.
- _ Jameson, F. (1983). *Postmodernism and Consumer Society, "In the Anti-Aesthetic. Essay on Postmodern Culture*. (Ed. H. Foster). WA: Bay Press.
- _ John, S. (2003). *Looking at Photographers*. (Translated by F. Azarang). Tehran: Samt.
- _ Kheiri, M. (2010). *Adaptation for the Screenplay*. Tehran: Soroush.
- _ Krippendorff, K. (2014). *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*. Tehran: Ney.
- _ Lajevardi, H. (2009). *Daily Life in Modern Iran with Reflection on Iranian Cinema*. Tehran: Sales.
- _ Lynton, N. (2005). *The Story of Modern Art*. (Translated by A. Ramin). Tehran: Ney.
- _ Makaryk, I. (2014). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*. (Translated by M. Mohajer and M. Nabavi. Tehran: Agah.
- _ Marzona, D. (2005). *Conceptual Art*. Germany: Taschen.
- _ Marzona, D. (2011). *Conceptual Art*. (Translated by F. Ebadi). Tehran: Nazar.
- _ Matravers, D. (2005). *Art, Expression, Feeling*. (Translated by Group of translators). Tehran: Art Academy.
- _ Mitchell, W. J. T. (2005). *What Do Pictures Want? The Lives and Love of Images*. Chicago: The University of Chicago press.
- _ Motamed Nejad, K. (1997). *Research Method in Press Content*. Tehran: Faculty of Social Communication Sciences.
- _ Newton ,K.M .(1997) .*Victor Shklovsky' :Art as Technique* . 'In :Newton ,K.M) .eds (Twentieth-Century Literary Theory. London :Palgrave .<https://doi.org/10.1007/978-1-349-25934-2/>
- _ Papoli Yazdi ,L .(2022) .*Contemporary Materiality*. Tehran: Hekmate Kalame.
- _ Parmezani, L. (2018). *The Rebels*. (Translated by M. Chehregan and S. Mirabedi). Tehran: Nazar.
- _ Peirce, C. S. (1974). *Collected Papers of Charles Sanders Peirce*. (Vol. 5). Harvard University Press.
- _ Pierce ,C .(1931-58) .*Collected Writings*. (Ed. Charles). UK: Harward University Press.
- _ Pool, M. Scott; Folger, Josef. P. (1981), A Coding Scheme for Studying Group Interactions in International Negotiations: A Methodological Advance on the IPA Protocol. *British Journal of Management*. January. 112. 455-477.
- _ Sarukhani, B. (2014). *Reaserch Methods in Social Sciences*. (Vol. 1). Tehran: Institute of Humanities & Cultural Studies.
- _ Sarukhani, B. (2014). *Reaserch Methods in Social Sciences*. (Vol. 2). Tehran: Institute of Humanities & Cultural Studies.
- _ Scruton, R. (2008). *Photography and Representation*. (Translated by B. Mohaghegh). Tehran: Art Academy.
- _ Shamisa, S. (2004). *A New Glance at the Original*. Tehran: Ferdows.
- _ Strazny ,P .(2005) .*Encyclopedia of Linguistics*. (Vol. 1). New York & Oxon.
- _ Zizek, S. (2005). *Selected Articles: Theory, Politics, Religion*. Tehran: Game No.

URLs:

- date access:6/5/2022 URL1. www.akkasee.com,
- URL2. www.akkasee.com, date access:9/8/2022
- URL3. Mohsen.Gallery, date access:5/5/2023